

جغرافیای تاریخی ساوه

دکتر علی اصغر رضوانی - استادیار مرکز آموزش عالی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

دریافت مقاله: ۸۱/۱۲/۳

تأیید نهایی: ۸۵/۱/۲۸

چکیده

آثار و شواهد بدست آمده از تپه‌های باستانی پیش از تاریخ نشان می‌دهد که شهر ساوه از قدمت تاریخی زیادی برخوردار است. وجود قلعه بسیار بزرگ آسیا آباد ساسانی در جوار شهر، قدمت آن را به دوره ساسانی می‌رساند. جغرافی‌نویسان اسلامی نیز شهر ساوه را از آثار دوره اسلامی نامیده‌اند. ساوه در قرون اولیه اسلامی توسط حکام عرب و در اوایل قرن چهارم هجری قمری به دست حکام ایران اداره می‌شد. مطالعات انجام شده توسط مؤرخان نشان می‌دهد که این شهر در دوران اسلامی تا اوایل قرن هفتم و بعد از حمله مغول تا اوایل قرن دهم دوران درخشان خود را گذرانده است. در شهر ساوه کتابخانه بزرگی وجود داشت که به دست مغولان به آتش کشیده شد. وجود بیمارستان‌ها، مدارس و رباط‌ها در این شهر نشان از اهمیت و اعتبار آن است. در این شهر میوه‌های انجیر، سیب و انار به فراوانی یافت می‌شد؛ همان گونه که اکنون نیز انار ساوه از شهرت خاصی برخوردار است. قبر امامزاده اسحق برادر امام رضا (ع) نیز در ساوه قرار دارد. مسجد جامع این شهر با کتیبه‌های متعدد مربوط به دوره‌های مختلف معماری خود از زیبایی خاصی برخوردار بوده که در حال حاضر نیز شاهد آن هستیم. در چهار فرسخی شهر ساوه مقبره شموئیل پیغمبر قرار دارد. حمدالله مستوفی نیز از شاهراه‌های ارتباطی این شهر نام برده است. شهر ساوه تا دوره صفویه از نظر صنعت سفالگری رقیب بزرگی برای شهرهای ری و کاشان محسوب می‌شد. خزف‌هایی که قدیمی‌ترین انواع آن مربوط به قرن چهارم هجری قمری است در این شهر کشف شده که نشان دهنده رونق صنعت سفالگری آن است. سفال‌های مکشوفه در ساوه مربوط به دوره ساسانی، اوایل اسلام تا دوره صفویه است.

واژگان کلیدی: مسجد جامع ساوه، کتب‌خانه بوطاهر خاتونی، دریاچه ساوه، امامزاده اسحق، شموئیل پیغمبر، سفالگری، خزف‌سازی.

مقدمه

برای آگاهی و شناخت هرچه بهتر شهرها، بررسی جغرافیای تاریخی آنها جایگاه ویژه‌ای دارد. سکونتگاه‌های زیستی بشر به ویژه شهرها که جمعیت بیشتری را در خود جای داده‌اند کماکان با گذشت زمان در حال توسعه و گسترش

است، بدیهی است در چنین وضعیتی می‌بایست راهکارهایی را برگزید که شرایط لازم را برای تعادل بخشی به حیات انسان‌ها فراهم سازد. شناخت وضع موجود شهرهای کنونی به روش علمی و آگاهی از نارسایی‌ها و چالش‌های موجود از یک سو و وجود امکانات بالقوه و پتانسیل‌های مؤثر در ابعاد مختلف طبیعی و انسانی آنها از سوی دیگر در تعادل بخشی به توسعه هماهنگ و پایدار شهری بسیار اثربخش است. تحقیق و بررسی جغرافیای تاریخی شهر یعنی آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است و براساس آن شهر شکل گرفته و توسعه یافته است «نتیجه کارکرد نیروهای طبیعی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی در دوره‌های گذشته بوده که با فضای امروزی شهر پیوند خورده است» (شکویی و کاظمی ۱۳۸۴، ص ۳۰) و نگرش و توجه به آنها در برنامه‌ریزی آتی شهر به گونه‌ای مثبت تأثیرگذار است.

«جغرافیای تاریخی را بایستی به معنای مطالعه و بررسی جغرافیای یک منطقه در دوران‌های گذشته دانست و اینجاست که تفاوت عمده بین جغرافیای زمان حال که برمبنای روابط مکانی استوار می‌گردد، با جغرافیای تاریخی که در آن عامل زمان نقش مهمی برعهده دارد روشن می‌شود. لذا در این علم روابط مکانی انسان در قلب مقاطع زمانی در گذشته مطرح می‌شود تا چگونگی مسایل جغرافیایی امروز بشر بهتر درک شود» (بیک محمدی ۱۳۷۸، ص ۱۵).

عواملی که در گذشته و حال به طور نسبی در کنار یکدیگر موجب پیدایش و گسترش شهرها می‌شوند، کدامند؟ بدیهی است استقرار سکونتگاه‌های شهری ناشی از عوامل متعددی است که مهم‌ترین آنها دسترسی به منابع آبی، شرایط آب و هوایی، موقعیت جغرافیایی به ویژه ارتباطی، امنیت، وجود پتانسیل‌های معدنی، اراضی مستعد کشاورزی در پسکرانه‌های زراعی شهر، مناطق روستایی پیرامون آن و نظایر آن است. توانمندی‌های منطقه‌ای معمولاً استمرار حیات شهری و زندگی شهرنشینی را بدنبال دارد. نوع این توانمندی‌ها نقش شهری را نیز بوجود می‌آورد. وجود شهرهای قدیمی در کشور و از جمله شهر ساوه که هنوز پابرجاست، ناشی از عوامل مثبتی است که در دو بعد طبیعی و انسانی قابل ملاحظه است. مکان‌یابی شهر ساوه در موقع کنونی خود با استناد به شواهد عینی و آثار مکشوفه، ناشی از بستری مناسب برای استقرار و شکل‌گیری آن بوده است، عوامل متعددی که در کنار یکدیگر شرایط لازم را برای ایجاد و شکل‌گیری این شهر در طول تاریخ بوجود آورده است، کماکان به قوت خود باقی است و به همین لحاظ است که شهر ساوه هنوز پای برجا و در حال گسترش است. از اینرو برای ادامه حیات این شهر لازم است تا عناصر و عوامل موجود را شناسایی نمود و با بکارگیری از دستاوردهای کنونی به ویژه تکنولوژی پیشرفته و فن‌آوری‌های نوین جهت‌های توسعه آن را در زمینه‌های مختلف مشخص نموده و با نقش‌دهی به شهر آن را به سوی رشد و توسعه‌ای ارگانیک سوق داد. امروزه لازمه شناخت وضع موجود شهرها مطالعات تاریخی آنها است. شناخت عناصر پایداری شهر ساوه و تقویت آنها در کنار سایر روش‌های برنامه‌ریزی موجب خواهد شد که این شهر روند توسعه خود را به گونه‌ای پایدار ادامه دهد.

روش اتخاذ شده برای انجام این تحقیق با توجه به موضوع آن که به مطالعات گذشته شهر برمی‌گردد، تا راهگشایی برای توسعه آتی آن باشد، تلفیقی از روش‌های تحقیق باستان‌شناسی، تاریخ و جغرافیای تاریخی است؛ زیرا محیط‌های جغرافیایی به ویژه کانون‌های شهری در هر یک از دوره‌های تاریخی با توجه به شرایط حاکم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شکل می‌یابند و بسترهای جغرافیایی نیز نقش آنها را تقویت می‌کنند. مشاهدات عینی و آگاهی از خصوصیات جغرافیای تاریخی شهر نیز چه از طریق حضور در محل و چه استفاده از منابع تاریخی، اسناد و مدارک موجود به ویژه تحقیقات باستان‌شناسی که بر روی مسجد جامع ساوه صورت گرفته و کتیبه‌های موجود در آن

در انجام این تحقیق مدنظر قرار گرفته است. مراحل بعدی تحقیق شامل تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی حوادث تاریخی و تأثیر آن بر روی شهر بوده و سرانجام نتیجه‌گیری و دستیابی به آنچه که می‌تواند راهگشایی برای بقاء و حیات فیزیکی و انسانی شهر ساوه باشد در انتهای بحث به آن پرداخته شده است.

جغرافیای تاریخی ساوه

واژه ساوه بی‌مناسبت با آب نیست، به طوری که برخی از مردم ساوه می‌گویند ساوه در حقیقت «سه آوه» یا آبه مشتق از «اُو» می‌باشد و «اُو» در تلفظ محلی به معنی آب است. (نهچیری ۱۳۷۰، ص ۱۲۱). بنابراین به احتمال زیاد علت نامیده شدن به «آبه» یا «آوه» وجود آب در گذشته‌های دور در این منطقه بوده است (الویری ۱۳۸۱، ص ۲۷). در برهان قاطع آمده است نام این شهر از نام پهلوان تورانی گرفته شده است که او را «ساوه شاه» نیز می‌گفتند (خلف تبریزی ۱۳۳۰، ص ۱۰۷۸). در جای دیگر از ساوه به معنی خرده طلا نام برده شده است که به علت حاصلخیز بودن زمین‌های اطراف آن به این نام تشبیه شده است (جغرافیای استان مرکزی ۱۳۶۷، ص ۲۱).

ساوه در سده هفتم قبل از میلاد یکی از ده دژ و منزلگاه‌های سرزمین ماد بشمار می‌رفته است (ازکایی ۱۳۶۹، ص ۵). این شهر در فاصله شهرهای بزرگی مانند همدان و ری باستان قرار داشته و در ادوار مختلف تاریخی گاهی جزو همدان و زمانی جزو ری باستان محسوب می‌شده است. در این مورد جغرافی‌نویسان و مورخین ساوه را بعضی اوقات جزو عراق عجم^۱ و زمانی جزو جبال^۲ یاد کرده‌اند؛ حال آن که عراق عجم را ایرانیان در قرن ششم هجری قمری یعنی در دوره سلاجقه به ناحیه جبال اطلاق نموده‌اند. گرچه در نوشته‌ها و کتب پیش از اسلام نامی از ساوه برده نشده، ولی با توجه به وجود تپه‌های باستانی پیش از تاریخ می‌توان ادعان داشت که شهر ساوه از قدمت تاریخی زیادی برخوردار است. آثار و شواهد بدست آمده از امامزاده عبدالله در جنوب شهر و قلعه گبری الویر در شمالغرب و چندین تپه دیگر در بخش نوبران چنین نشان می‌دهد که این منطقه در قدیم بسیار آباد بوده و جزو دولت مرکزی ماد^۳ محسوب می‌شده است و پس از آن نیز جزو لاینفک حکومت‌های بعدی چون هخامنشیان و پارتیان و ساسانیان بوده است. جغرافی‌نویسان اسلامی نیز به شهر ساوه اشاره نموده و آن را از آثار دوره اسلامی نامیده‌اند، در صورتی که وجود قلعه باستانی آسیا آباد که قلعه بسیار بزرگی در جوار شهر است، لااقل قدمت آن را به دوره ساسانیان می‌رساند. در مقاله‌ای

۱- منظور از عراق عجم سرزمین‌هایی است محدود به: از مشرق به کویر خراسان و فارس از غرب به آذربایجان از شمال به کوه‌های البرز و از جنوب به خوزستان و عراق، و این محدوده شامل مناطق ذیل است:

گروس - همدان - کرمانشاه - قزوین - اراک - اصفهان - نهاوند - ری تا دربند بحر خزر - قسمت بزرگی از صحاری و مراتع ایران مرکزی. همان طور که در متن بالا یادآوری شده است نام عراق عجم را ایرانیان ظاهراً در قرن هشتم هجری قمری در دوره سلاجقه به ناحیه جبال اطلاق نموده‌اند.

برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: گزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، سال ۱۳۶۲، ص ۵۰.

سرزمین‌های خلافت شرقی، تألیف لسترنج، ترجمه محمود عرفان از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، سال ۱۳۳۷. ص ۲۰۰.

تاریخ ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان، تألیف حسن پیرنیا «مشیرالدوله»، از انتشارات کتابخانه خيام؛ باستان‌شناسی ایران باستان تألیف لوئی واندنبرگ ترجمه عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۴۸، ص ۱۲۰، دایرةالمعارف فارسی، جلد اول به سرپرستی غلامحسین مصاحب، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۰، ص ۷۲۷.

۲- همان طور که یادآوری شده، ناحیه عراق عجم تا قبل از قرن ششم هجری قمری به نام جبال خوانده می‌شد. برای اطلاعات بیشتر می‌توان به مراجع فوق‌الذکر مراجعه نمود.

۳- سرزمین‌هایی بوده محدود به: از شمال به رود ارس و قله‌های البرز (در جنوب دریای خزر) و از شرق صحرای شوره‌زار دشت کویر و از مغرب و جنوب به سلسله جبال زاگرس و شامل: آذربایجان، کردستان و عراق عجم می‌شده است: برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، تألیف حسین پیرنیا (مشیرالدوله) ...، ص ۵۶ - تاریخ ماد، تألیف دیاکونوف ترجمه کریم کشاورز، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، سال ۱۳۴۵، از ص ۱۱۵ - ۱۰۷.

تحت عنوان «پیگیری در مسجد جامع ساوه» چنین آمده است: «... با انجام کاوش های وسیع تر احتمالاً آثاری از دوره های پیش از اسلام در این شهر بدست خواهد آمد، کما این که رد پای معماری ساسانی را در مسجد جامع ساوه و برخی از زوایای آن به وضوح می توان باز شناخت.» (موسوی ۱۳۵۵، ص ۱۷).

اطلاعات ما در زمینه پیشینه تاریخی ساوه بر اساس نوشته های مورخین و جغرافی دانان قرن چهارم هجری و در دوره های بعد از آن به ویژه سفرنامه سیاحان است که از ایران دیدن کرده اند و حتی المقدور سعی شده تا ضمن رعایت ترکیب تاریخی و آوردن عین نوشته ها، ترسیم از وضع اقلیمی و سرگذشت وقایع مهم تاریخی این شهر در گذشته بیان شود.

ابن حوقل جهانگرد سده چهارم هجری قمری می گوید: «... از همدان به ساوه سی فرسخ است، و ساوه شهری است پاکیزه و نیکو حال بر طریق عراق که شتر فراوان دارد و بیشتر حاجیان با این شتران به حج می روند زیرا از مردم آنجا ساریبانی هستند که مردم ماوراءالنهر و حوالی آن را به مکه می برند و از ساوه تا ری سی فرسخ است.» (ابن حوقل ۱۳۴۵، ص ۱۰۲).

در «تاریخ گزیده» نیز چنین آمده است: «رکن الدوله حسین بن بویه به حکم برادر در عراق عجم پادشاه بود... در محرم سنه ست و ستین و ثلاثمائه (۳۶۶ ه.ق) در گذشت و ملوک عراق به پسران کوچک داد... ری، همدان، قزوین، ابهر، زنجان، ساوه، اوه و بعضی از مناطق کردستان را به فخرالدوله علی و... مسلم داشت.» (مستوفی، حمدالله ۱۳۶۹، ص ۴۱۲). در کتاب «از عرب تا دیالمه» آمده است که: «همدان در ضمن جنگ های ایران و اعراب به تصرف اعراب در آمده بود ولی حیش که یکی از بزرگان همدان بود پس از مدتی سر از اطاعت اعراب برداشت و بر علیه آنها قیام کرد اما شکست خورد و سپاهیان پراکنده و فراری او به طرف ساوه رفتند و در آنجا نیز نعیم بن مقرن بار دیگر با آنها به جنگ پرداخت و آنها را شکست داد» (پرویز ۱۳۳۸، ص ۲۹۳). در «حیب السیر» آمده است: «در زمان سلطان مسعود غزنوی اهالی قم و ساوه که پای در میدان عصیان نهاده بودند ابوسهل حمدوی که حاکم ری بود از طرف سلطان مسعود سپاهی به آنجا فرستاد تا آنان را به اطاعت و فرمانبرداری در آورند.» (خواندمیر ۱۳۵۳، ص ۳۹۲).

در کتاب النقص آمده است: «بحمدالله تعالی کتب شیعه اصولیه ظاهر و باهر است و بیرون آنکه در سراهای ایشان باشد نسخه های بسیار در کتابخانه های بلاد اسلام نهاد است، به ری در کتب خانه صاحبی، و به اصفهان در کتب خانه بزرگ، و به ساوه در کتب خانه بوطاهر خاتونی.» (قزوینی رازی ۱۳۵۸، ص ۱۸).

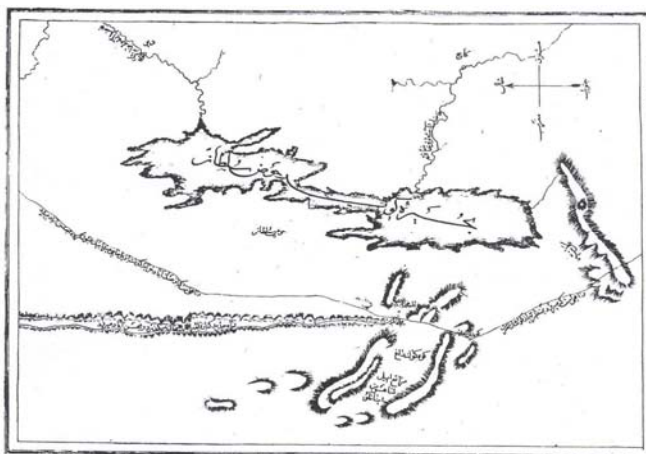
یاقوت حموی گوید: «... شهری است معمور بین ری و همدان و فاصله ساوه و هر یک از این دو شهر ۳۰ فرسنگ است. در نزدیک آن شهری است به نام آوه، مردم شهر ساوه سنی شافعی هستند و شهر آوه شیعه امامیه و فاصله بین آن دو شهر، دو فرسنگ است و بین آنها همیشه جنگ و جدل بوده و تا سال ۶۱۷ هجری قمری هر دو شهر آباد بودند و مغولها بدانجا حمله کردند و به من خبر رسید که آنها آن دو شهر را خراب و همه سکنه آنجا را به قتل رساندند. در شهر ساوه کتابخانه ای وجود داشت که در دنیا بهتر از آن وجود نداشت که خبردار شدم آنها آن را آتش زده اند.»^۱

۱- در گزارش مطالعات اولیه جهت تهیه پروسه تعمیرات مسجد جامع ساوه آقای دکتر رضا کسمائی چنین آورده اند: «یکی از کشفیات بسیار مهمی که حین مطالعات و گمانه زنی ها به عمل آمد مساله خشتی بودن اسکلت اصلی و ساختمان اولیه مسجد جامع ساوه است که منشأ آن را می توان به دوره اولیه هنر اسلامی منتسب نمود. مسجد فعلی دارای یک قشر و پوشش روئی از آجر است در صورتی که در پشت این قشر آجری ساختمانی از خشت وجود دارد.»

(حموی، یاقوت ۱۹۵۷، ص ۱۷۸). لسترنج در کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی به نقل از قزوینی چنین آورده است: «در وسط مسجد، خزانه کتب جای داشت که در آن هر گونه کتابی که در آن زمان معتبر بود یافت می‌شد و به علاوه اسطرلابها و کره‌ها برای مطالعه علم نجوم، بیمارستان‌ها و مدرسه‌ها و رباط‌ها نیز در آن شهر وجود داشت و بر فراز در مسجد، طاقی بسیار بلند نظیر طاق کسری در مدائن دیده می‌شد». (لسترنج ۱۳۷۷، ص ۲۲۸). و اما در مورد توسعه شهر ساوه و عظمت و اقتدار آن نیز می‌توان به آبادانی این شهر در گذشته اشاره کرد، چنان که حمدالله مستوفی مورخ قرن هشتم هجری قمری نقل می‌کند: «ساوه از اقلیم چهارم است و شهرکی اسلامی، طولش از جزایر خالادات فه و عرض از خط استوا ۱۰ له و در اول در آن زمین بحیره^۱ بوده (شکل ۱) و در شب ولادت رسول اکرم (ص) آب بحیره به زمین فروشد و آن از مبشرات بود و بر آن زمین شهری ساختند، بانی آن معلوم نیست. در این عهد خرابی به حال باروی او راه یافته بود. صاحب سعید خواجه ظهیرالدین علی بن ملک شرف‌الدین ساوجی طاب ثراهما آن را عمارت کرده و شرف و فرش آجر ساخت، دور آن بارو هشت هزار و دویست ذراع خلقی است. پسرش صاحب اعظم خواجه شمس‌الدین دور آن را نیز که پیوسته شهر است بارو کشید و داخل شهر گردانید و دور آن قریب چهار هزار ذراع خلقی بود. هوای آن به گرمی مایل اما درست است و آبش از رودخانه مزدقان و قنوات در آنجا نیز همچون آوه به زمستان آب یخ در چاه بندند تا به هنگام گرما باز دهد. ارتفاعاتش پنبه و غله زیاد بود. از میوه‌هایش انجیر و سیب و انار می‌باشد» (مستوفی ۱۳۶۲، ص ۶۲) و در تاریخ گزیده گوید: «چون دولت به مغول رسید و حکومت به افتخاریان دادند- ساوه و آوه و زواره و جهرود بر آن مصاف کردند و تومانی خواندند». (مستوفی ۱۳۳۹، ص ۷۷۸).

شکل ۱- نقشه دریاچه قم و موقعیت بحیره کویر حوزه سلطان

(فن.آ. اولتاریوس ۱۶۳۸-۱۶۳۷ م)



در مطلع سعدین و مجمع بحرین آمده... میرزا اسکندر عزم محاصره قم نمود و قلاع نواحی آن را مسخر فرمود. در قم مردم جنگی بسیار بودند جنگ‌های سخت کردند و میرزا اسکندر را کاری از پیش نمی‌رفت، در این حال نصرالله صحرايي حاکم ساوه اندیشید که هرگاه قم فتح شود نوبت ساوه خواهد بود و با آنکه میان او و محمد قمی نیک نبود

۲- نام چهارده جایگاه است و بر هر جایی اطلاق شود که (اغلب) پیوستگی به دریای بزرگ نداشته باشد، خواه آب آن شور و خواه شیرین و گوارا باشد. بحیره را دریاچه گویند.

عموزاده خود عمادگو را با چند سپاه به مدد فرستاد و خواجه محمد را بدان سبب قوت و شوکت زیاد شد (سال ۸۱۵). (عبدالرزاق، مولانا کمال الدین ۱۳۶۰، ص ۲۳۹).

و. بارتولد در «تذکره جغرافیای تاریخی ایران» چنین نقل کرده است: «و... بلوک ساوه جزوه ولایت قم است. این فقیه هم در قرن دهم همینطور می نویسد ساوه از لحاظ سیاسی در قدیم مطیع ری بوده و نه همدان. از قراری که ابن رسته تعریف می کند، پست گمرکی حکمران ری در سمت غربی محل انشعاب راهها از همدان به ساوه و زرنند و قدری در سمت شرقی قریه بوسته بوده که در آن دوره هنوز پابرجا بود...»

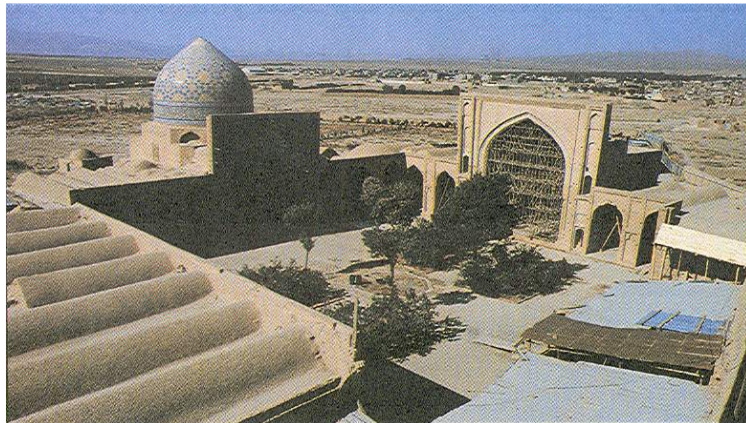
در ساوه هم مانند ری مبارزه بین شهرنشینان که پیرو مذهب شافعی بودند با ساکنان روستاها که شیعی مذهب بودند دوام داشت. مرکز تشیع و کانون مبارزه با سنی ها قریه آوه بود که با فاصله کمی در مغرب شهر ساوه واقع بود. ساوه در قرن چهاردهم^۱ به دست حکمران محلی مرمت و ظاهراً حدود آن وسیع تر از سابق شد. با اینکه یکی از اماکن متبرک شیعیان یعنی قبر امامزاده اسحق برادر امام رضا (ع) در ساوه قرار داشت، با این حال شهر، یک شهر سنی بود. علاوه بر آن در قرن چهاردهم هم مانند این زمان قبر حضرت شموئیل پیغمبر را در حوالی شهر نشان می دادند. (و. بارتولد ۱۳۵۸، ص ۱۵۳۹).

حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه گوید: «... قدیم الایام مردم آنجا همگی اهل سنت و جماعت بودند و با مردم آوه همواره جنگ و جدل می نمودند اکنون جمیع سکنه اش شیعی مذهب و زحمت کشند». (شیروانی ۱۳۴۲، ص ۳۰۶).

شاردن در سال ۶۷۵ میلادی در سیاحت نامه خود در مورد ساوه چنین نوشته است: «ساوه شهر بزرگی است که در یک صحرای شنزار و خشک واقع شده... محیط این شهر بالغ بر دو میل و دور تا دور آن را دیواری کشیده اند ولی به هیچ وجه کثیرالنفوس نمی باشد به طوری که به استثنای مرکز شهر بقیه محلات مخروبه و غیر مسکون است و باروی شهر نیز چندان خوب نگهداری نمی شود و هیچگونه آثار شایان توجهی در اطراف و اکناف آن مشاهده نمی گردد ولی به طوری که از بقایا و اطلاع آثار و ابنیه گذشته استنباط می شود ساوه در گذشته بلده خوبی بوده است». (شاردن ۱۳۵۰، ص ۵۱).

اوژن فلاندن در سفرنامه خود می گوید: «ساوه شهری کوچک است ولیکن در اثر داشتن چندین خرابه قدیمی شایان اهمیت است. مسجدی دارد که از کاشی های الوان زیبا و حواشی به خط کوفی تزیین گشته (اوژن فلاندن ۱۳۵۶، ص ۱۲۲). شالوده اولیه این بنا تاکنون روشن نگردیده و بیشتر سعی شده با استفاده از روش های مقایسه و تطبیق این بنا با سایر بناها و مساجد جامع ایران آن را تاریخ نگاری نمایند (شکل ۲).

شکل ۲- نمای عمومی مسجد جامع ساوه

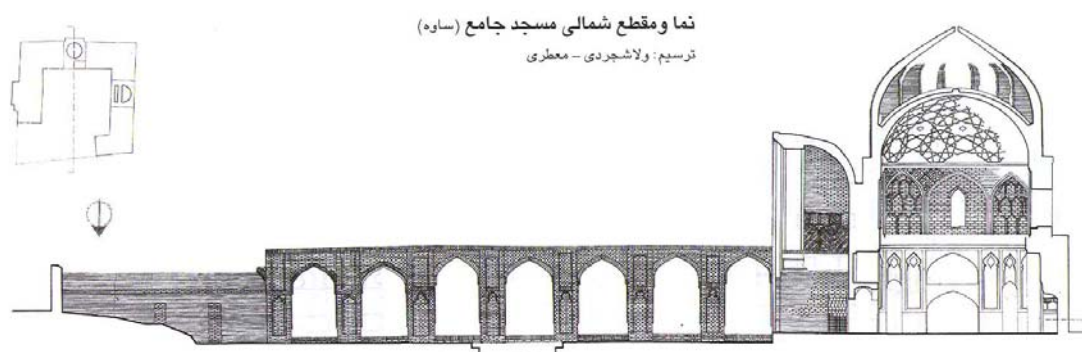


مهندس محمد مهریار در مقاله سیر تحول معماری در مسجد جامع در باب تاریخ مسجد می گوید طرح و ساخت و ساز بنای اولیه مسجد جامع بومی است و از لحاظ نسبت فضاهای پر به خالی آن که معادل یک بر دو است و همچنین شکل عمومی و طرح بخش های موجود آن با بناهای مکشوفه دهانه غلامان^۱ قابل مقایسه است، اما بر اثر شواهد و ظواهر موجود در این بنا می توان نتیجه گرفت که طرح اولیه و ساخت و ساز فضای عمومی این مسجد مشتمل بر شبستان های طویل بوده که در اطراف حیاط مرکزی به طور یکپارچه ساخته شده است و خمیرمایه اصلی مصالح بکار رفته در این مجموعه شبستان ها که پیرامون حیاط مرکزی ساخته شده گل جبه و خشت خام است، شکل های شماره (۳ و ۴) نما و پلان مسجد جامع ساوه را نشان می دهد. (مهریار، مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ص ۷۷۳).

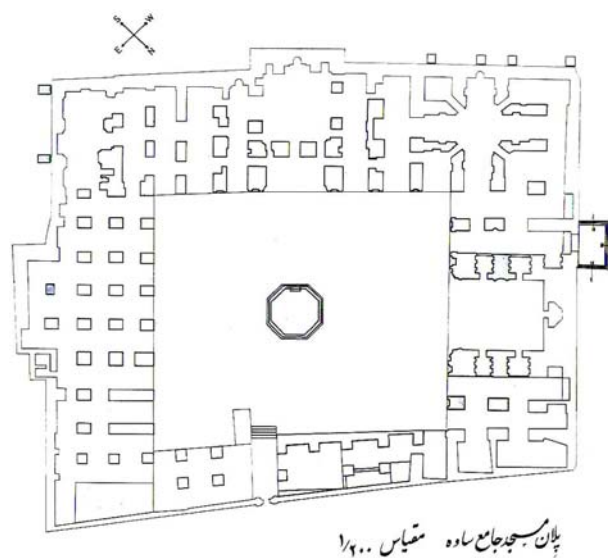
کتیبه های متعددی مربوط به دوره های مختلف معماری مسجد جامع ساوه در بخش های مختلف آن وجود دارد که هر یک در نوع خود از لحاظ تاریخ نگاری حائز اهمیت است. عمده این کتیبه ها از گچ ساخته و پرداخته شده اند. در بعضی از قسمت ها کتیبه هایی از جنس کاشی وجود دارد. این کتیبه ها در سال ۱۳۶۲ توسط آقای عبدالله قوچانی قرائت گردیده و شامل دو بخش است: کتیبه هایی که در حال حاضر در بخش های مختلف در محل اولیه قرار دارد و کتیبه هایی که در حین عملیات خاک برداری یا حفاری علمی بدست آمده و از محل های اصلی آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. مجموعه شکل های شماره (۵) نمونه هایی از کتیبه های مسجد جامع ساوه را در دو حاشیه محراب مسجد نشان می دهد.

۱- قدمت این بنا را به نیمه هزاره اول نسبت داده اند

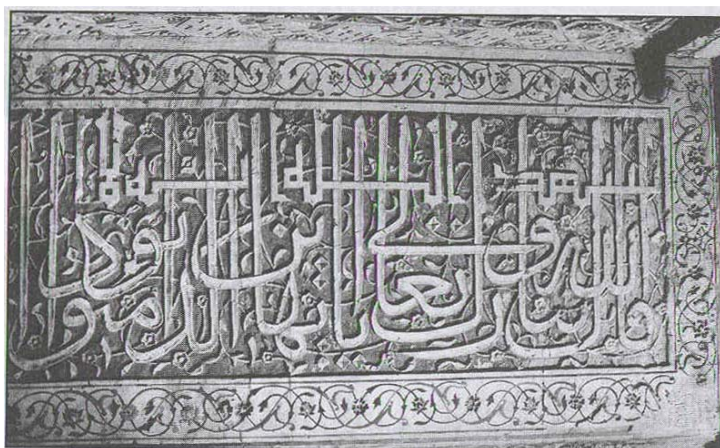
شکل ۳- نما و مقطع شمالی مسجد جامع ساوه (ولاشجردی و معطری-۱۳۷۶)

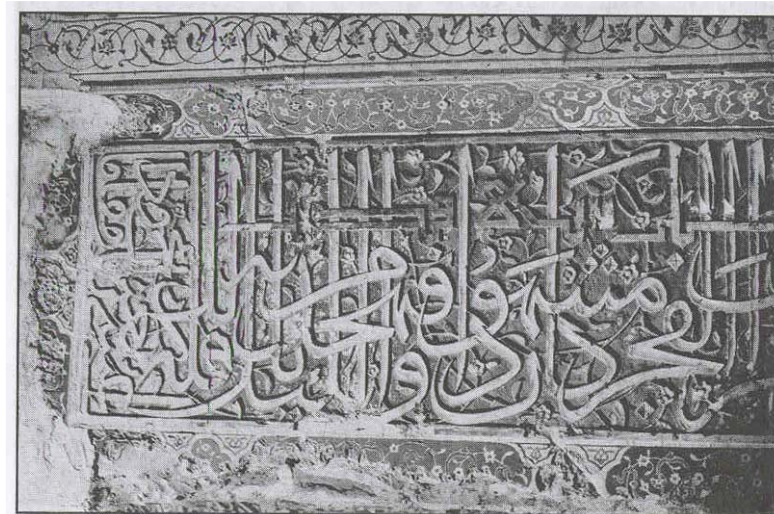
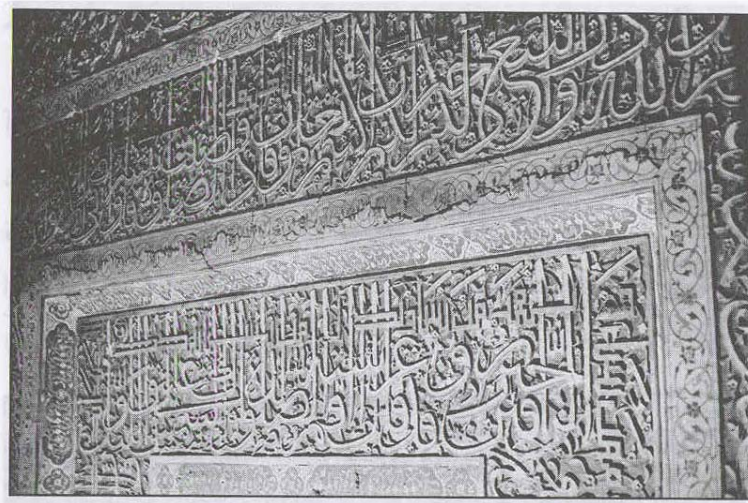


شکل ۴- پلان مسجد جامع ساوه، مقیاس ۱:۲۰۰



شکل ۵- مجموعه کتیبه های واقع در حاشیه محراب مسجد جامع ساوه که به خط ثلث و کوفی گچبری شده است.





شکل شماره (۶) نیز کتیبه حاشیه طاق روی محراب را در چهار دایره و در هر دایره چهار بار کلمه محمد به خط کوفی بنایی گچبری و تکرار شده است.

شکل ۶- کتیبه حاشیه روی طاق محراب مسجد جامع ساوه



کتیبه‌های مربوط به محراب کوچک نیز که به سبک خطوط کوفی متعلق به قرن پنجم و ششم هجری است در تصویر شماره (۷) نشان داده می‌شود.

شکل ۷- کتیبه های محراب کوچک مسجد جامع ساوه



اوژن فلاندن در جای دیگر از سفرنامه خود می نویسد: «در چهار فرسخی شهر ساوه مقبره شموئل پیغمبر واقع شده است. زمین های اطراف ساوه شنزار یا از نمک مستور است. انارهای ساوه در ایران خیلی اهمیت دارد بیش از سی چهل سانتیمتر محیط و رنگی سرخ تیره مخلوط به زرد دارد.» (اوژن فلاندن ۱۳۵۶، ص ۱۲۲).

مارکوپولو در سفرنامه خود در مورد ساوه می نویسد: «... در ایران شهری است موسوم به (سبا)^۱ که از آنجا سه مغ به نام بالتازار،^۲ گاسپار،^۳ و ملچیور^۴ برخاسته و برای پرستش حضرت عیسی به بیت اللحم رفته اند...». مارکوپولو در شهر راجع به این سه نفر تحقیقات مفصلی نمود ولی هیچ کس نتوانست اطلاعات صحیحی درباره آنها بدهد جز این که در قدیم آن سه مغ در آنجا به خاک سپرده شده اند.»^۳ (مارکوپولو ۱۳۵۰، ص ۳۳).

شهر ساوه به لحاظ قرار گرفتن در مسیر جاده های اصلی ارتباطی - تجاری دارای موقعیت خاص بوده و بر این اساس رو به آبادانی و ترقی گذارده است (شکل شماره ۸).

شکل ۸- ساوه از روی ترسیم فن آ. اولتاریوس ۱۶۳۸-۱۶۳۷ م



۱- سبا SABA «همان ساوه فعلی است»

2-Baldasar

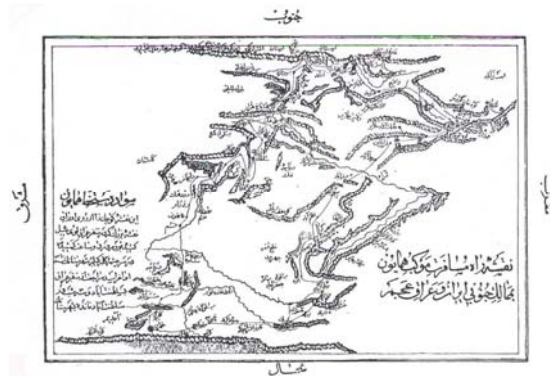
3-Gaspar

4-Melchior

۱- هیچ مسافری بعد از مارکوپولو خبری از آن آثار مقبره یا افسانه ای در ساوه که دلالت بر وجود سه نفر موبدی که او شرح داده، نقل نکرده است.

اصطخری از شهر ساوه به عنوان یک شهر مهم موصلاتی یاد می‌کند که بین راه‌های ری به همدان و قزوین به اصفهان واقع شده است. او فاصله همدان تا ساوه را سی فرسنگ و از ساوه تا ری را نیز سی فرسنگ ذکر کرده است (ایرج افشار ۱۳۴۷، ص ۱۶۴). شکل شماره (۹) نیز نقشه خط سیر ناصرالدین شاه قاجار را در مسافرت به ممالک جنوبی ایران و عراق عجم نشان می‌دهد.

شکل ۹- نقشه خط سیر ناصرالدین شاه به عراق عجم از سفرنامه عرب عجم، ص ۱۹۴.
(ساوه از روی ترسیم فن آ. اولتاریوس ۱۶۳۸-۱۶۳۷ م)



در تذکره جغرافیای تاریخی ایران به نقل از حمدالله مستوفی آمده است: «حمدالله مستوفی شاهراه‌ها را از شهر سلطانیه که مرکز حیات سیاسی و تجاری ایران بوده است، آغاز می‌کند. این شاهراه‌ها به شرح ذیل اند: شاهراه بین شرق و جنوب، راهی که از طریق ساوه به قم و از آنجا به اصفهان و شیراز و بندر خلیج فارس رفته است». شهر ساوه از نظر صنعت سفالگری رقیب بزرگی برای شهرهای ری و کاشان محسوب می‌شده، ولی بعدها به خصوص از قرن دهم به بعد به علت خشکسالی و چندین بار زلزله و سیل از رونق و آبادانی افتاده است.

وجود سفالینه‌های بسیار زیبا و ارزنده‌ای مانند ظروف مینایی و کاشی‌های منقوش مخطط برجسته با اشکال مختلف انسان و حیوان و پرنده و گل و بوته و نقوش هندسی و غیره و نیز قطعاتی که در گمانه‌زنی اطراف مسجد جامع کشف شده است و یا کاشی‌های مرقد امامزاده سید اسحق، خود دلیل بر این است که هنر سفالگری به خصوص سفال معروف به مینایی یکی از ویژگی‌های مهم و با ارزش مردمان ساوه بوده است. در کتاب «صنایع ایران بعد از اسلام» در مورد سفال ساوه چنین آمده است: «خزف^۱ شهر ساوه...» در این شهر مقدار زیادی از خزف‌ها که قدیمی‌ترین نوع آن

۱- هر چیز گلی که در آتش پخته شده باشد، ظرف سفالین است، (فرهنگ معین) در کتاب معنی هنر نوشته هربرت رید ترجمه نجف دریا بندری تهران ۱۳۵۴، ص ۲۴، در مورد سفال چنین آمده است «در حقیقت هنر سفالگری به قدری اساسی است و به قدری با نیازهای نخستین تمدن بستگی دارد، که روح قدس ناگزیر در آن تجلی می‌کند. هنر هر سرزمینی و حد حساسیت هر قومی را با هنر سفالگری آن می‌توان سنجید. این مقیاس، مقیاس کاملاً مطمئنی است. سفالگری هنر خالص است. هنری است که از قید هرگونه غرض تقلید آزاد است.» در کتاب تاریخ هنر نوشته ه. و. جانسون ترجمه پرویز مرزبان، تهران، سال ۱۳۵۹ ص ۲۰۵ در مورد سفال آمده: «در موزه‌های شرق و غرب عالم بیشتر و متنوع‌تر از هر محصول هنری ایران، ظروف سفالین جمع‌آوری شده است، چرا که گل کوزه‌گری ماده‌ای است تقریباً انهدام‌ناپذیر و خطه ایران که سراسر با تاریخ و تمدن کهن عجین شده است هنوز همه ساله صدها و هزاران سفالینه‌های تازه را از بطن خود پدیدار می‌سازد. چنانکه از دیرباز معمول بوده است این سفالینه‌ها بر روی چرخ کوزه‌گری و یا به وسیله قالب ساخته می‌شده و سپس با نقوش فراوان تزئین می‌یافته است.»

مربوط به قرن چهارم هجری (دهم میلادی) است کشف شده و از جمله دو قطعه خزف بدست آمده که در کوره فاسد شده است و از روی این آثار می توان گفت در شهر ساوه کارخانه و کوره های خزف سازی و خزف پزی وجود داشته است و خزف هایی که در آن شهر بدست آمده، ساخت همان شهر بوده است. بعد از آن نیز مقادیر زیادی از انواع دیگر خزف در آنجا کشف شده است و از قراری که گفته می شود در ویرانه های این شهر آثار کوره های متعددی کشف شده که از روی آنها می توان به مقام و اهمیت فنی شهر ساوه در صنایع خزف سازی پی برد.

روش های فنی و صنعتی این شهر در خزف سازی چندان با روش هایی که در شهرهای کاشان و ری دیدیم، تفاوت و اختلافی ندارند؛ فقط می توان ذکر نمود که خزف سازان ساوه اصول و مواد و عناصر تزئینی را که ظروف خزفی شهرهای کاشان و ری به آنها ممتاز بود، در صنعت خود به کار برده و از مجموع آنها استفاده کرده اند. یکی از آثار صنعتی نفیس شهر ساوه قدحی است در مجموعه اوسکار رافائل که تاریخ آن سال ۵۸۳ هجری (۱۱۸۷ م) را نشان می دهد و روی آن اشکال چند خانم است در باغچه خرمی که در برابر آنها دریاچه آب با ماهی های چندی که در آن شناورند. از جمله آثار دیگر این شهر ابریقی است در نمایشگاه فریر که از صنایع قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) است و اشکال و تصاویر آن عبارت از چند خانم و مرغابی و برگ هایی است که روی آنها نقطه هایی دیده می شود و شاید همین طرح بهترین گواه وجود رابطه قوی بین خزف سازی کاشان و ساوه باشد. تعدادی از مجسمه های خزفی نیز که بعضی از حیوانات و پرندگان را نمایش می دهد به این شهر منسوب است و از جمله آنها مجسمه شیری است که روی پاهای عقبی خود نشسته و دارای لعاب آبی رنگ فیروزه ای است. این مجسمه فعلاً در مجموعه کیورکیان نگهداری می شود که بهترین گواهی است بر مهارت و استادی صنعتگران در ساختن انواع مجسمه ها. احتمال می رود که خزف سازان ساوه به روش همکاران خود که در کاشان و ری بوده اند، کار می کردند و مطمئناً تعدادی از آنان در ابتدا در شهرهای کاشان یا ری زندگی می کرده و بعد برای کسب روزی و یا فرار از دست مغولان به ساوه آمده اند». (زکی، ۱۳۲۰، ص ۲۱۶).

در کتاب «شاهکاری های هنر ایران» در مورد سفال ساوه چنین مکتوب شده است: «... سفال سازان ساوه ظاهراً به مجالس شکار توجه خاص داشته اند و شاید نقش سواری که به گرگ درنده ای شمشیر می زند در ساوه ساخته شده باشد. اما آن را به کاشان هم نسبت می دهند.

آیا می توان گمان برد که هنرمندان کاشانی به ساوه رفته تا ظروف سفالین را زینت کنند؟ بعضی از ظروفی که در ساوه پیدا شده خصوصیات کار کاشان و ری را دارا است. در ساوه به قدری سفالینه های منقش به شکل جانوران یافت شده که گمان می رود نقش جانوران از خصایص کار هنرمندان این شهر است». (ناتل خانلری ۱۳۳۸، ص ۸۳). وی در جای دیگر می نویسد: «ساوه هم در این فن رقیب بشمار می رفت. اما خصوصیات شیوه سفال سازی ساوه را نمی توان به دقت معین کرد، زیرا که تیله های فراوانی از آنجا بدست نیامده و از طرف دیگر استادان سفال سازی کاشان و ری اغلب به آنجا مهاجرت می کرده اند» (ناتل خانلری ۱۳۳۸، ص ۸۳).

شواهد نشان می دهد که در بعضی جاها تا عمق ده متر می توان به آثار و اشیاء قدیمی و بقایای ساختمانی دست یافت و در رابطه با سفال های مکشوفه در ساوه طبقه بندی در بین افراد محلی به شرح ذیل متداول بوده است:

۱- اشیاء دوره گبری مربوط به دوره ساسانی و اوایل اسلام

۲- اشیائی که به کاشی معروف است مربوط به اوایل قرن چهارم تا اوایل قرن هفتم

۳- اشیاء عراقی که از دوره ایلخانیان مغول و تیموریان باقی مانده است

۴- اشیائی که عباسی نامیده می شود و به دوره صفویه و بعد از آن تعلق دارد

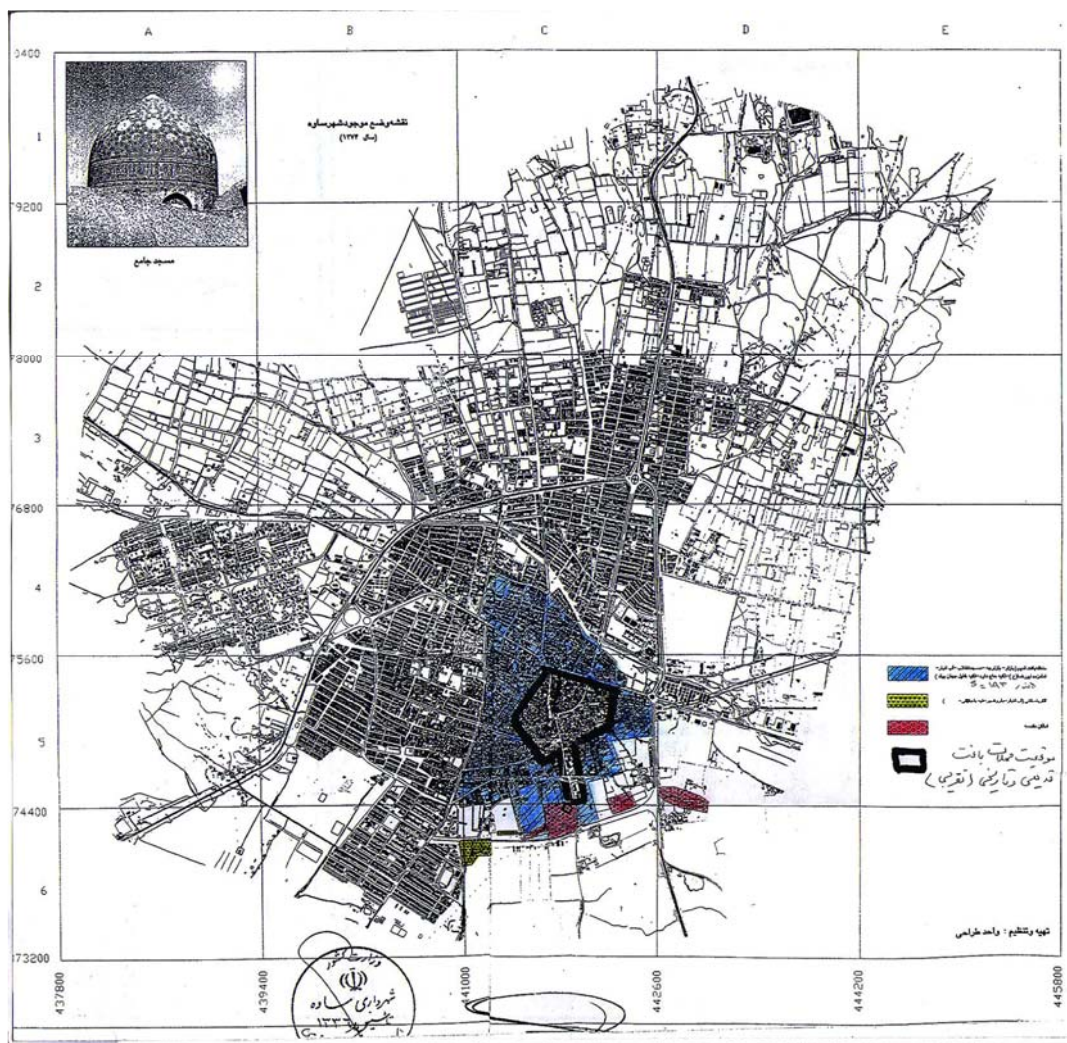
با در نظر گرفتن آنچه جغرافی نویسان درباره این شهر نوشته اند، محدوده قدیمی شهر را به طور تقریب می توان چنین مشخص کرد: از جنوب به اراضی مزروعی رود آبان که حمدالله مستوفی مورخ سده هشتم هجری قمری از آن یاد نموده است، از شمال به میدان سابق ملی یا شاه عباس، از شرق به تپه آسیا آباد و از غرب به جاده خاکی معروف به یل آباد که از جنوب به شمال کشیده شده است. نقشه شماره (۱) موقعیت محلات بافت قدیمی و تاریخی شهر ساوه را به طور تقریبی نشان می دهد.

جمع بندی و نتیجه گیری

پدیده زیست در سراسر جهان واقعیتی است که با شرایط ناحیه ای و محلی پیوند می خورد؛ چرا که شرایط حیات به سبب موقعیت و وجود تنوع در محیط جغرافیایی یکسان نبوده و می توان در فاصله چند کیلومتر به کلی دگرگون شده و شرایطی دیگر حاکم گردد. استقرار، گسترش و عملکرد سکونتگاه های زیستی متأثر از عوامل طبیعی، انسانی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و سایر موارد است که هر کدام از این عوامل به نحوی در شکل گیری شهر و نقش آن سهیم اند. ساوه نیز همانند دیگر سکونتگاه های زیستی کشور از چنین شرایطی تبعیت کرده و می کند. از جمله عواملی که از دیرباز نقش مهمی در مکان گزینی سکونتگاه های شهری داشته و موجب ایجاد ارتباط و داد و ستد بین شهرها و روستاها می شده است، آب است. یقیناً این عامل در ایجاد شهر ساوه نقش بسیار مهمی داشته، چرا که نام ساوه همان گونه که بیان شد، بی مناسبت با آب نیست و در تلفظ محلی ساوه به معنی آب ذکر شده است. امروزه این عامل نقش خود را در ادامه حیات شهر ساوه کماکان ایفاء می کند، وجود سد الغدیر بر روی رودخانه و فرقان (قره چای) در آینده ای نه چندان دور این شهر را به یک قطب کشاورزی در کشور تبدیل خواهد کرد. مطمئناً با گسترش شهر و افزایش جمعیت آن محدودیت هایی نیز وجود دارد و لازم است در نگرش به توسعه آتی شهر با احتیاط بیشتری وارد عمل شد و از رشد بی رویه آن جلوگیری نمود. در این رابطه سیاست های کنترل جمعیت و جلوگیری از مهاجرت و عوامل جانبی آن می تواند راهکار مناسبی برای رشد موزون شهر باشد. با استناد به وجود تپه های باستانی و آثار بدست آمده از حفاری های باستان شناسی می توان اذعان داشت که ساوه یک شهر تاریخی است و از موقعیت ارتباطی بسیار خوبی برخوردار بوده است. این عامل ارتباطی نقش تجاری و اقتصادی آن را تثبیت نموده و امروزه هم شاهد نقش مؤثر چنین موقعیت مناسبی برای ساوه هستیم، با این تفاوت که در گذشته نوع فعالیت های تولیدی، تجاری و مبادله کالا در ارتباط با پتانسیل های محلی و منطقه ای ساوه و حوزه نفوذ آن بیشتر صورت می گرفته و حال آن که امروزه با گسترش راه های ارتباطی و توسعه حمل و نقل در مقیاس ملی مطرح است. شهر ساوه امروزه اتصال دهنده مسیر راه های جنوب، غرب و شمال کشور به یکدیگر است. گرچه این شهر به سمت صنعتی شدن پیش می رود و امروزه با دارا بودن بیش از ۱۵۰ کارخانه متعدد و با تولیدات گوناگون در ایران یک منطقه صنعتی محسوب می شود. اما نقش گذشته آن را که با بهره مندی از پتانسیل های طبیعی و عوامل انسانی، اقتصادی بوجود آمده است، می بایست حفظ کرد و با استفاده از نوآوری های تکنولوژیک به تقویت آن پرداخت. از جمله این نقش ها نقش تاریخی و فرهنگی- هنری آن است. وجود کتابخانه بوطاهر خاتونی که به گفته یاقوت حموی نظیر آن در دنیا وجود نداشت، نشان از اهمیت فرهنگی این شهر است و یا وجود اسطرلاب ها و کره ها برای مطالعه علم نجوم در این

شهر حاکی از وجود دانشمندان و هنرمندانی است که در زمینه های مختلف علوم فعالیت داشته و به تحقیق و تفحص می پرداختند. وجود مراکز دانشگاهی در این شهر با بیش از هفت هزار نفر دانشجو در سی و سه رشته تحصیلی نیز نشان از چشم انداز علمی و فرهنگی این شهر در آینده است.

نقشه ۱- موقعیت محلات بافت قدیمی و تاریخی شهر ساوه (مأخذ: شهرداری ساوه)



بنای مسجد جامع شهر با کاشی های الوان زیبا و کتیبه های متعدد آن که مربوط به دوره های مختلف تاریخی است، سیمای مذهبی آن را به نمایش می گذارد. حفاظت و مرمت این مسجد اعم از خود بنا و تزیینات وابسته به آن به ویژه کاشی کاری های زیبای آن به گونه ای علمی توسط سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با همکاری ارگان های ذیربط و همیاری ساکنین بومی و محلی می تواند به استحکام آن بیفزاید و مسجد جامع ساوه را به عنوان یک اثر تاریخی - فرهنگی و مذهبی به جهانگردان خارجی و گردشگران داخلی معرفی نماید.

این بنای مذهبی امروزه یکی از مهم ترین نشانه های شهری ساوه محسوب می شود که به نوعی معرف هویت تاریخی فرهنگی این شهر است. یکی دیگر از شاخص های فرهنگی - هنری شهر ساوه سفالینه های آن است که مکرر در

منابع مورد استفاده به آن اشاره شده است، خزف‌های بدست آمده از کشفیات تپه‌های باستانی این شهر نشان می‌دهد که پیشینه سفالگری در شهر ساوه از رونق زیادی برخوردار بوده است و کارگاه‌های زیادی در این رابطه فعالیت داشته‌اند، ویژگی خاص این تولیدات فرهنگی در شهر ساوه استفاده از تجربیات سفالگران کاشان، ری و همدان بوده است. در ساخت ظروف خزفی شهر ساوه عناصر تزئینی بیشتری بکار برده شده است.

سازمان صنایع دستی با همکاری مراکز دانشگاهی این شهر می‌تواند با ایجاد رشته‌های هنرهای سنتی و صنایع آلی تحقیقات لازم را در زمینه احیاء صنعت سفالگری و خزف‌سازی انجام دهد و با نوآوری‌های جدید به طور گسترده‌ای به تولید این دسته صنایع پردازد. رونق مجدد این صنعت نه تنها به اشتغال‌زایی در شهر کمک خواهد نمود، بلکه با استمرار این فعالیت شرایط اقتصادی گروهی از ساکنین شهر را نیز ارتقاء خواهد بخشید. از جمله نکات دیگری که در نتیجه‌گیری این تحقیق قابل بحث و پیگیری است، توجه به فعالیت‌های کشاورزی و باغداری شهر است. همان گونه که جغرافی‌نویسان امروزی هم در آثار و نوشته‌های خود بدان اشاره کرده‌اند در این شهر و مناطق پیرامونی آن با بهره‌مندی از منابع آبی و شرایط آب و هوایی اراضی مستعدی برای فعالیت کشاورزی و دامداری به ویژه پنبه، غلات، انجیر، سیب و انار دارد که در این خصوص لازم است از آخرین دستاوردهای مکانیزاسیون کشاورزی و باغداری بهره‌گرفت و پسرکانه‌های زراعی و باغی و حوزه‌های نفوذ روستایی این شهر را به تولید این محصولات اختصاص داد و مانع از تغییر کاربری آنها شد.

مدیریت شهری و منطقه‌ای در ساوه به گونه‌ای باید عمل کند که تعادل لازم در نوع فعالیت‌های غالب کاملاً حفظ شود و با روند صنعتی شدن این شهر که در حال حاضر شاهد آن هستیم، خدشه‌ای به سایر فعالیت‌ها وارد نشود؛ مضافاً به این که در توسعه شهر به کاربری‌های فضاهای سبز با تأکید بر جنبه زیبایی‌شناسی آن و راه‌های دسترسی پایدار و تأسیسات وابسته به آن که یک ضرورت توسعه شهری است، تأکید بیشتری شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- ابن حوقل (۱۳۴۵)، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲- ازکایی، پرویز (۱۳۶۹)، ساوه باستان، ساوه نامه، مجموعه مقالات تاریخ و فرهنگ ساوه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ساوه.
- ۳- اصطخری، ابو اسحق به کوشش ایرج افشار سیستانی (۱۳۴۷)، مالک و الممالک، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- الویری، محسن (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی آوه، امید دانش.
- ۵- اوژن فلاندن (۱۳۶۵)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، اشراقی.
- ۶- بیگ محمدی، حسن (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، دانشگاه اصفهان.
- ۷- پرویز. عباس (۱۳۳۸)، از عرب تا دیالمه، چاپخانه علمی.
- ۸- پیرنیا، حسین (مشیرالدوله) (۱۳۶۱)، تاریخ ایران قدیم از آغاز تا انقراض ساسانیان، انتشارات کتابخانه خیام.
- ۹- جانسون، ه. و (۱۳۵۹)، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران.
- ۱۰- حموی، یاقوت (۱۳۶۲)، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، امیر کبیر.

- ۱۱- حموی، یاقوت (۱۹۵۷)، معجم البلدان، چاپ سوم، دارصادر، بیروت.
- ۱۲- خواندمیر (۱۳۵۳)، حبیب السیر، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاق، خیام.
- ۱۳- دیاکونوف (۱۳۴۵)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- زکی، محمدحسن (۱۳۲۰)، صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، اقبال.
- ۱۵- سازمان پژوهش و برنامه آموزشی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۶۷)، جغرافیای استان مرکزی.
- ۱۶- شاردن (۱۳۵۰)، دایرةالمعارف تمدن ایران (سیاحت نامه شاردن) جلد سوم، ترجمه محمد عباسی، امیر کبیر.
- ۱۷- شکویی، حسین و موسی کاظمی، سید مهدی (۱۳۸۴)، مبانی جغرافیای شهری، پیام نور.
- ۱۸- شیروانی، حاج زین العابدین (۱۳۴۲ ه-ق)، بستان السیاحه، چاپ دوم.
- ۱۹- عبدالرزاق، مولانا کمال الدین (۱۳۶۰)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد دوم جزء اول وقایع ۸۰۰ تا ۸۳۳ چاپخانه گیلانی لاهور به تصحیح محمد شفیع.
- ۲۰- فراهانی، ابوالفضل و قوچانی، عبدالله (۱۳۸۰)، مسجد جامع ساوه، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- ۲۱- قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل (۱۳۵۸)، النقص معروف به «بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فقائق الروافض» به تصحیح استاد فقید میرجلال الدین محدث، انجمن آثار ملی شماره ۱۴۳.
- ۲۲- لسترنج (۱۳۷۷)، سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۲۳- لویی و اندنبرگ (۱۳۴۸)، باستان شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، دانشگاه تهران.
- ۲۴- محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان (۱۳۳۰)، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران.
- ۲۵- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۹)، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، امیر کبیر.
- ۲۶- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزهة القلوب، به تصحیح گای لسترنج تهران، دنیای کتاب.
- ۲۷- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۰)، دایرةالمعارف فارسی (جلد اول)، مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- ۲۸- معین، محمد (۱۳۴۵)، فرهنگ معین، جلد دوم، امیر کبیر.
- ۲۹- موسوی، سید محمود (دوازدهم تا هفدهم آبان ماه ۱۳۵۴)، «پیگردی در مسجد جامع ساوه» گزارش چهارمین مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران.
- ۳۰- مهریار، محمد (۱۳۷۴)، مقاله سیر تحولات معماری مسجد جامع ساوه، جلد دوم، مجموعه مقالات اولین کنگره معماری و شهرسازی ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ۳۱- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۳۸)، مرکز باستان شناسی ایران، ۱۳۵۵ (اقتباس و نگارش)، شاهکارهای هنر ایران، تألیف پوپ، فرانکلین.
- ۳۲- نهچیری، عبدالحسین (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی شهرها، انتشارات مدرسه.
- ۳۳- و. بارتولد (۱۳۵۸)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه مردادور، توس.
- ۳۴- هربرت، رید (۱۳۵۴)، معنی هنر، ترجمه نجف دریا بندری، تهران.